

راهکارهای سوره نور در نهادینه‌سازی عفت جنسی در جامعه ایمانی

خدیجه احمدی بیغش*^۱، مریم حاجی کاظم^۲

۱- استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

۲- دانش‌آموخته، کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت فاطمه، تهران، ایران.

maryamkazem۱۹۷۴@gmail.com

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

چکیده

عفت، نیرویی درونی کنترل نفس از امور ناشایست، همواره مورد توجه اسلام بوده است. خداوند متعال با طرح تدریجی سیاست‌های کلان خویش زیست‌عقیفانه را در جامعه اسلامی تقویت، تثبیت و نهادینه‌سازی کرده است. بدین شیوه که علی‌رغم طرح مباحث مرتبط با عفت در ابعاد گوناگون آن، در سوره مکی، تقویت و تثبیت احکام عفت جنسی را به مدینه و در اوضاعی که جامعه‌ای با حاکمیت اسلام برپا شود، واگذار نمود. تحقیق پیش رو درصدد پاسخگویی به این سؤال است که سوره مدنی نور چه راهکارهایی را جهت نهادینه‌سازی عفت جنسی در جامعه ایمانی پیش گرفته است. بررسی توصیفی تحلیلی سوره نور، بر اساس منابع کتابخانه‌ای نشان می‌دهد پروردگار در شرایط استقرار جامعه اسلامی مدنی، به‌منظور تقویت عفت جنسی در قلوب مؤمنان، ابتدا با طرح احکام پیشگیرانه از انحرافات جنسی، مانند تنبیه شدید زناکاران و شرایط سنگین اثبات قضایی آن، نهی از نگاه‌ها حرام، امر به ازدواج، لزوم عفت‌ورزی جوانان و... موضوع حجاب در جامعه ایمانی را پیش کشیده، تربیت روح عفاف را مطرح کرده است. سپس به‌منظور تثبیت احکام عفت جنسی در دو ساحت خانوادگی و اجتماعی، پایبندی به احکام عفاف الهی، رعایت آداب حریم خصوصی والدین، گذشتن از خواهش‌های نفسانی، تقویت خوف و خشیت از خدا، نفوذ نور احکام در دل مؤمنان، تبعیت محض از خدا و رسول ﷺ، و... را در راستای نهادینه‌سازی عفت جنسی در قلوب مؤمنان طرح داشته است که جز از طریق حفظ حریم‌های محرم و نامحرم، خانواده، والدین، رسول‌الله ﷺ، میسر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: سوره نور، تقویت عفت جنسی، تثبیت عفت جنسی، انحرافات جنسی، جامعه ایمانی.

۱- مقدمه

پاک‌دامنی و عفت از نیازهای اساسی هر جامعه رو به پیشرفت و ترقی است. تا زمانی که جوامع درگیر نیازهای مادی و جنسی باشند نمی‌توانند به سمت تمدن و پیشرفت حرکت کنند. درحالی‌که نیاز جنسی در انسان عامل مهم تداوم نسل و ارضای حس محبت میان زوجین بسیار ضروری است؛ اما آنچه نادرست است اصل قرار دادن این نیاز و ارضاء آن به شیوه خارج از چارچوب شرع و خانواده است. از دیدگاه معارف دین اسلام حفظ عفت و پاک‌دامنی نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه ضرورت اجتماعی است. به گونه‌ای که حتی آن را زینت فقر نیز دانسته‌اند: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۸). خداوند متعال در سوره مدنی نور (ترتیب نزول ۱۰۳/ ترتیب مصحف ۲۴)، احکام الهی را بر محور تزکیه و پاک‌سازی جامعه مؤمنین از آلودگی حول عفاف ارائه و با تبیین اصول اخلاقی و اجتماعی مرتبط با عفت جنسی، راهکارهایی را جهت پیشگیری از انحرافات جنسی بیان می‌دارد.

سیر نزول قرآن کریم نشان می‌دهد خداوند متعال با طرح تدریجی سیاست‌های کلان خویش زیست‌عقیفانه را در جامعه اسلامی تقویت و نهادینه‌سازی می‌دارد. از این رو و بر اساس شواهد تاریخی گویا آن است که محیط مکه و فشار بر مؤمنان و پیامبر ﷺ به گونه‌ای بود که مسلمانان تا مدت‌ها در مکه اعتقادات خویش را از دیگران پنهان داشته، مباحث اخلاقی نیز با ملاحظه حال مؤمنان عملی گشت. چراکه شناخت افراد با ایمان و داشتن اعتقادات مخالف با دیگران در این فضا موجب آزارشان می‌شد؛ اما طرح مباحث متعدد مرتبط با عفت که در زمینه‌های گوناگون چشم، گوش، زبان، دست و پا، دامن بود را کم‌وبیش در سور مکی شاهدیم. حال آنکه تقویت احکام زیست‌عقیفانه خصوصاً عفت جنسی، به سور مدنی و به شرایطی که جامعه‌ای با حاکمیت اسلام برپا شد، موکول گشت. پرداختن به مسئله راهکارهای تقویت احکام عفت جنسی در قلوب مؤمنان، از یک سو می‌تواند احکامی که مرتبط با مسئله عفت جنسی است را به خوبی تبیین و در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی تثبیت نماید. از سویی دیگر موجب تقویت و ارتقاء سطح طاعت و بندگی بشر گشته و زمینه‌های افزایش تقرب به خداوند را در مؤمنان فراهم نموده و سعادت فردی و اجتماعی آنان را به همراه خواهد داشت. راهکارهایی که از طرف خداوند خطاب به مؤمنان ارائه شده و پیامبر گرامی اسلام ﷺ به‌عنوان مجری این احکام در جامعه معرفی شدند، با اصلاح رفتارهای فرد در خانواده و رعایت حرمت حریم دیگران به خوبی می‌توان حریم جامعه را از آلودگی‌ها و تمنیات نفسانی پاک نگاه داشت. تحقیق پیش رو با هدف ارتقاء سطح آگاهی دینی و اخلاقی مؤمنان در جامعه اسلامی و ایجاد محیطی سالم‌تر برای نسل‌های آینده، راهکارهای عملی تقویت عفت جنسی در آموزه‌های سور نور را جهت مقاوم‌سازی در برابر انحرافات جنسی فرای ضرورت فردی، به‌عنوان یک نیاز و ارزش اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده است.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره موضوع عفاف، حجاب و فرهنگ‌سازی قرآنی در این زمینه صورت گرفته‌اند که هر یک از زاویه‌ای خاص به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. برای نمونه، عبدالکریم بهجت‌پور در کتاب روش فرهنگ‌سازی پاک‌دامنی در قرآن (۱۳۹۸)، مراحل تحول‌آفرینی قرآن در زمینه پاک‌دامنی را بررسی کرده و در کتاب دیگر خود با عنوان سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی (۱۳۹۶)، به تحلیل آیات و زمینه‌های هنجار شدن پوشش اسلامی پرداخته است.

از سوی دیگر، برخی آثار به زبان عربی، مانند کتاب الاسفار عن الحق فی مسألة السفور و الحجاب نوشته محمدتقی الهاللی (۱۴۱۲)، تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از ادله عقلی، قرآنی، نقلی و تاریخی، مشروعیت و ضرورت حجاب و عفاف در اسلام را اثبات کنند. همچنین محمدالحسینی الشیرازی در کتاب الحجاب الدرع الواقی (۱۴۱۸)، با تمرکز بر آیات و روایات متعدد، به تحلیل علل حجاب و عفاف، آثار مثبت آن و آسیب‌های ناشی از بی‌حجابی پرداخته است.

در کنار این کتاب‌ها، مقالات علمی پژوهشی نیز به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. برای مثال، مقاله جایگاه عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده نوشته عزت‌السادات میرخانی (۱۳۹۳) در مجله زن و مطالعات خانواده، نقش عفت

جنسی را در تقویت بنیان خانواده از نظر امنیت و استواری اجتماعی بررسی کرده است. همچنین، حمزه حاجی در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ‌سازی قرآن پیرامون پیشگیری از انحرافات جنسی (۱۳۹۴) در پژوهش‌های اخلاقی، به روش‌های تربیتی قرآن مانند معرفی الگوهای مثبت، قصص عبرت‌آموز و نکوهش ضد ارزش‌ها اشاره کرده و آن‌ها را ابزارهایی برای پیشگیری از انحرافات جنسی دانسته است. مقاله راهکارهای گسترش و نهادینه کردن عفاف نوشته محسن فتاحی‌اردکانی (۱۳۹۰) در مجله معرفت، به بررسی راهکارهایی پرداخته که از متون دینی و جامعه‌شناسی برای تحقق عفاف در فرد و جامعه استخراج شده‌اند. در حوزه پایان‌نامه‌ها نیز نمونه‌هایی وجود دارند. به عنوان نمونه، مرحمت سلیمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان مهندسی عفاف و حجاب در تفسیر تنزیلی (۱۳۹۴)، برخی روش‌های قرآنی مانند استفاده از داستان، استمرار، تکرار و... را در زمینه حجاب و عفاف مورد بررسی قرار داده است. با وجود این تلاش‌ها و آثار گسترده، بررسی دقیقی درباره «تقویت احکام عفت جنسی در مؤمنان بر اساس آموزه‌های سوره نور» یافت نشد. این خلأ پژوهشی، لزوم انجام تحقیقی مستقل و هدفمند در این زمینه را آشکار می‌سازد.

۱-۲- مفهوم عفت جنسی

عفت (از ریشه عَ فَ فَ)، حالت و صفت نفسانی غلبه بر شهوت (قرشی بنابی، ۱۳۷۱)، دوری از امور ناپسند و غیرحلال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۲۴)، خودداری نفس از تمایلات غیرصالحه (مصطفوی، ۱۳۶۸)، پرهیزگاری و پاکدامنی تعبیر شده است (آذرتاش، ۱۳۷۹). عفت، خودداری مطلق نیست. بلکه عفت یک قوه از چهار قوه عاقله، غضبیه، شهویه و واهمه (نراقی، بی تا، ۱، ۳۹)، و حالت اعتدال قوه شهویه و عامل نجات انسان است. به بیانی دقیق تر رعایت عقلی و شرعی اعتدال در ارضای شهوات طبیعی و لازم (مانند شهوت شکم، خوراک، جنسی، و...) برای انسان، که از علاقه به بقاء سرچشمه می‌گیرد (حجازی، ۱۳۹۷) است. نکته حائز اهمیت آنکه عفت در مقابل شهوت نیست؛ زیرا اصل شهوت از نیازهای ضروری و طبیعی انسان بوده، که لازم است تحت سیطره عقل و نفس، در مسیر اعتدال قرار گیرد. واژه عفت در قرآن چهار مرتبه بکار رفته است:

- دو مرتبه در امور اقتصادی: صبر و خودداری از درخواست در فقر: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» (بقره: ۲۷۳)، مراقبت در سرپرستی اموال یتیمان: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى... وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ» (نساء: ۶). عفت ورزیدن در این امور ضروری است، خصوصاً هنگامی که فرد به آن نیاز ندارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۷، ۸۶)
- دو مرتبه در امور جنسی و کنترل آن: تذکر به عفت ورزی در افرادی که شرایط ازدواج برایشان مهیا نیست: «لَيْسَ تَعَفُّفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (نور: ۳۳)، پسندیده بودن حجاب و عفاف: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» (نور، ۶۰)، حتی برای زنان سالخورده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

۲-۲- راه‌های تقویت عفت جنسی

گزینه جنسی از سرکش‌ترین غرائز موجود در نهاد آدمی است. چنانچه صحیح و منطقی، مهار و مدیریت نشود صدمات جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد. برخی مکاتب بشری در برخورد با این گزینه راه افراط و بی‌بندباری و انحراف جنسی (آزادی جنسی) را پیش گرفته، و ناهنجاری‌هایی چون تزلزل بنیان خانواده، تولد فرزندان نامشروع، افزایش طلاق، انواع بیماری‌های جسمی و روحی مانند افسردگی و... را به وجود آورده است (شاهنده، ۱۳۸۸). برخی دیگر تفریط و خمود و سستی (سرکوبی جنسی) را دنبال کرده، و مشکلاتی چون: خطر ادامه نسل بشر را منجر می‌شود. اما دین اسلام راه اعتدال عفت جنسی (به‌عنوان بخشی از دایره عظیم عفت) را در پیش گرفته، آن را بخشی از فطرت و طبیعت آدمی به شمار آورده تا جامعه از خطرات انحراف جنسی در امان ماند (آلبویه، ۱۴۰۳). لذا خداوند متعال در سوره نور، راه‌های مبارزه علیه انحرافات جنسی و مدیریت آن را در دو بعد راه‌های تقویت و تثبیت عفت جنسی

ارائه داشته تا رشد اجتماعی مؤمنین در فضای امن ایجاد و خطاکاران و خائنین منزوی گردند. سوره نور راه‌های تقویت عفت جنسی در قلوب مؤمنان را بدین شرح بیان می‌دارد:

۲-۳- احکام اجتماعی زن و مرد زانی

قرآن کریم هنگامی نازل شد که جامعه جاهلیت اعراب صدر اسلام، آلوده به انواع انحرافات اخلاقی چون: دزدی، قتل، غارت، شرب خمر، قمار؛ و انحرافات جنسی و فساد و فحشاء بود (جوادعلی، ۱۳۹۱). عمل شنیع زنا که همانا نزدیکی با زن در فرج او بدون عقد شرعی و یا شبهه‌ای از عقد شرعی، با علم یا ظن غالب به این موضوع است (مدرسی، ۱۴۳۱)، از جمله فساد جنسی روابط خارج از شرع و عرف کاملاً پذیرفته شده بود. تا بدان جا که برخی از زنان این دوران، با چندین مرد ارتباط داشتند؛ بنابراین عمل شنیع زنا مستقیماً فروپاشی خانواده را به‌عنوان هسته اصلی جامعه در معرض خطر قرار می‌دهد. حال آنکه دین اسلام با لحاظ ارزش فوق‌العاده برای خانواده، آن را عامل مهمی در هدایت و تعالی جوامع بشری برشمرده، از حریم آن با وضع احکام و قوانینی حراست می‌کند (طوسی، ۴۰۶). از جمله آن احکام کیفر سخت زناکاران است.

خداوند در اولین قدم از تقویت عفت جنسی در سوره نور، با وضع حکم شدید برای زن و مرد زانی، گام محکم خویش در زدودن این غده چرکین از جامعه و مهیا نمودن فضا برای بیان سایر احکام را این‌گونه برمی‌دارد: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲). آیه با زانیه یعنی زن زناکار شروع شده، زیرا زن با اغواگری، هیجان و عدم خویشتن‌داری معمولاً کانون این رابطه نابهنجار است (مدرسی، ۱۴۱۹). برخورد سلبی با منحرفان از مسیر پاک‌دامنی، از جمله عوامل بازدارنده افراد از هنجارشکنی است. بیان حکم صد ضربه تازیانه برای زن و مرد زناکار و لزوم برخورد قاطع و بدون ترحم با شکنندگان حریم عفت و حیا از تنبیهات اجتماعی و حقوقی ناظر به پاکدامنی است. خداوند برای تقویت انگیزه این اقدام، ایمان مومنان را پشتوانه اجرای این حکم قرار می‌دهد (بهجت پور، ۱۳۹۸). «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (نور: ۲). بافت زندگی اجتماعی بشر موجب می‌شود آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمانده، به جامعه سرایت کند (مدرسی، ۱۴۱۹). از این رو اجرا این مجازات در حضور گروهی از مؤمنان، با قید عدم رأفت در دین خدا است. «وَ لِيُثْبِتْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲)، وضع و اجرای چنین حکمی در جامعه، حفظ و حراست از حریم افراد و خانواده سالم و اصلاح جامعه ایمانی را مهیا ساخته، مانع تکرار این جرم می‌گردد (فضل‌الله، ۱۴۱۹). همچنین بافت زندگی اجتماعی بشر موجب می‌شود آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمانده، به جامعه سرایت کند، لذا طرد اجتماعی این افراد آلوده دامن جامعه را از فساد جنسی پاک خواهد داشت. خداوند متعال در برخورد با این آلودگی شنیع جنسی به همین مقدار اکتفا نکرده، زنا و شرک را هم‌ردیف هم مطرح کرده و مرتکبان به این عمل را صرفاً اختصاص به خود می‌داند نه سایر مؤمنان: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ» (نور: ۳) آیه در مقام بیان حکمی تشریعی تحریمی، با عبارت نهی خبری است، تا هم امکان تکرار ارتکاب این عمل به حداقل رسد (بهجت پور، ۱۳۹۸)، افراد ساختارشکن هنجارهای ایمانی، از این عقوبت هشدار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۳). پدیده شوم زنا یکی از بیماری‌هایی است که ممکن است جامعه مؤمنین به آن دچار شود. وضع حکم به‌ظاهر شدیدی برای آن، حاکی از ترجیح مصالح جامعه بر مصلحت فردی افراد در جامعه مؤمنین دارد.

۲-۴- پیشگیری از انحرافات جنسی در اجتماع

معارف سوره نور عدم رواج و سرایت انحرافات جنسی از افراد آلوده به اجتماع مؤمنین را بخشی از زیست عقیفانه مؤمنان در اجتماع ایمانی و عامل مهم در تقویت عفت جنسی برشمرده است. ابعاد این رویکرد عبارت است از:

۲-۴-۱- کیفر سخت در اتهام جنسی

با تعیین مجازات زنا، اگر هیچ شرایطی برای اثبات این جرم سنگین وجود نداشته باشد، جو بی‌اعتمادی در جامعه مؤمنان ایجاد گشته، هرکس به راحتی دیگری را در مظان اتهام قرار داده، قبح این عمل ریخته، در نتیجه نه تنها عملاً مقابله‌ای با این انحراف صورت نگرفته، بلکه انحرافات جنسی دیگری در جامعه رواج می‌یابد. لذا خداوند متعال فرمود: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَبْوَابِ شُهَدَاءٍ فَأَجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» (نور: ۴). رمی، زدن شیء یا پرتاب سخن، کنایه از فحش و تهمت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). شخص تهمت زنده با نسبت دادن امری ناپسند و اتهامی مانند زنا، گویا تیری به سوی شخص مورد اتهام پرتاب می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴). هدف قرآن مچ‌گیری از افراد نیست، بلکه هر حکمی در این زمینه برای گسترش عفت جنسی در جامعه و پیشگیری از سرایت انحراف جنسی از افراد آلوده به افراد سالم جامعه است. افراد جامعه مؤمنین نیز نباید نسبت به یکدیگر با مچ‌گیری رفتار نمایند؛ بلکه باید در جو آرام و به دور از فضای پرتنش اتهام زنی، افراد آلوده دامن را از جامعه زدوده، به انزوا کشند تا انحراف جنسی آنان به دیگران سرایت نکند. گرچه ظاهر این حکم سخنگیرانه به نظر می‌رسد، اما مهم‌تر از اجرای حد زن و مرد زناکار، احراز شرط اثبات آن جرم بوده تا اتهام زنی، عادی‌سازی جرم و نشر ناخواسته انحراف جنسی در جامعه رواج نیابد (صباحی طسوجی، ۱۳۹۶). حتی پروردگار نسبت اتهام زندگان به زنی که اصلاً مرتکب چنین جرمی نشده را مشمول لعنت در دنیا و آخرت و عذاب الیم می‌داند: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۲۳)؛ زیرا زنانی که حقیقتاً پاک‌دامن هستند سوژه بیماردلان گشته، حریم خانواده شکسته شده، حرمتی میان زن و مرد باقی نمانده، جامعه مؤمنین توسط خودشان نابود می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۰). شیوه برخورد خداوند با مرتکبان این امر، همسر زن را نیز شامل می‌شود: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ» (نور: ۶) عدالت اسلامی اجازه نمی‌دهد زن قربانی تهمت شوهرش شود. در حقیقت این زن یا بی‌گناه است یا گناهکار و خود بهتر از هر کسی به وضعیت خود آگاه است. لذا شرع اسلام با عمل سخت‌گیرانه لعان در حقیقت بنیان خانواده را تقویت کرده، خانواده را به سطحی از تقدس سوق می‌دهد تا کسی جرئت نزدیک شدن به آن را نداشته باشد (مدرسی، ۱۳۸۰)؛ بنابراین اگر انسان در مورد آبروی مسلمانان تقوای الهی نداشته باشد و به آنان تهمت بی‌اساس زند، در سایر امور نیز بر دروغ‌گویی جریء خواهد بود (السنقیطی، بی‌تا، ۳، ۱۶). از این روست که اسلام مجازات گروه دوم رمی کنندگان را نسبت به گروه اول شدیدتر قرار می‌دهد. چراکه موضوع عرض و آبروی جامعه ایمانی به قدری حائز اهمیت است که لازم است با پشتوانه محکم مطرح شود. برخوردی با این امر راه نشر و سرایت انواع انحراف جنسی به زنان پاک‌دامن و به طور کلی جامعه را خواهد بست.

۲-۴-۲- بر حذر داشتن از ترویج شایعه و دروغ

پس از نزول احکام سخت‌گیرانه در مورد زنا، منافقان از داخل اجتماع مسلمین مترصد فرصتی بودند تا از یک سو پیامبر ﷺ را به عنوان رهبر جامعه اسلامی و متولی اجرای احکام الهی مورد اتهام قرار دهند، از سویی دیگر با مشغول ساختن جامعه به امور عبث و بیهوده به ایجاد و رواج دروغ بر علیه پیامبر ﷺ دست زدند. مؤمنین در حکم کارگزاران منافقان، بر انتشار چیزی که واقعیت نداشت دامن زدند. «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱). گروهی به سرکردگی عبدالله بن ابی، رهبر منافقین و مخالفین نظام سیاسی اجتماع اسلام، دروغی را به خانواده پیامبر نسبت دادند. اتهام نادرست به رهبر جامعه اسلامی (خصوصاً در امور جنسی)، سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت را افزایش داده، با سلب اعتماد مردم اشاعه فحشا در جامعه امری عادی شده، دست حاکم شرع در اجرای احکام الهی بسته شده، ارتکاب انحرافات جنسی نیز عادی می‌گردد. خداوند متعال با لحنی توبیخی مؤمنان را در عدم قطع به دروغ دشمنان مواخذه می‌دارد که: «أَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ» (نور: ۱۲) تا اهمیت حسن ظن مؤمنین

نسبت به یکدیگر را تبیین دارد؛ و تأکید می‌دارد: «لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ» (نور: ۱۳). اگر ادعایی بر پایه ثابتی استوار نباشد هیچ ارزشی ندارد، به‌ویژه اگر به کرامت و آبروی مؤمنان لطمه زند. پروردگار تذکر بسیار مهمی به مؤمنین می‌دهد که: «لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۴)، شما با اشاعه و رواج دروغ در جریان خطرناکی فرو رفته‌اید که به سلامت و ثبات جامعه آسیب می‌زند: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (نور: ۱۵). خداوند با پرداختن به این مسئله عظیم، مؤمنان ساده‌لوح جامعه را از پخش شایعات افراد بیمار دل منع داشته تا ناخواسته به گسترش انحرافات جنسی دامن نزده، حتی اگر کلامی در مورد کسی رواج یافته و نقل محافل شده، مؤمنین وارد نشوند: «أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۶)، جامعه با اراده‌ای قوی برای بهره‌برداری از آن عبرت مسلح شود. چراکه: «مَا أَكْثَرَ الْعَبْرَ وَأَقَلَّ الْأَعْتَابَ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۹۷) چه بسیارند عبرت‌ها و چه کمند عبرت گیرندگان. خداوند علاقه‌مندان به شیوع زشتی‌ها در اجتماع مؤمنین را این‌گونه هشدار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (نور: ۱۹)، مؤمنان باید نسبت به فاحشه نفرت یافته آن را با قلبش انکار کرده، نفوس خویش را از علاقه و اهتمام به ایجاد و رواج فاحشه پاک دارند.

۲-۴-۳- رعایت حریم خصوصی دیگران

رعایت آداب حریم خصوصی دیگران (چه در خانه، چه اتاق شخصی، و...) از جمله راهکارهای مهم ایجاد عفت جنسی در اجتماع مؤمنان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (نور: ۲۷). این حریم خصوصی هنگامی محل امن و آسایش خواهد بود که هیچ‌کس بدون اذن صاحب آن، اجازه ورود نیابد. اگر حریم خصوصی افراد نقض شود موجب می‌شود چشم‌ها به عورات افتاده، شهوات را برانگخته، به انحرافات گوناگونی منجر شود (سیدقطب، ۱۴۲۵). صورتی که صاحب‌خانه به هر دلیلی از پذیرش میهمان خودداری کرد، بر میهمان واجب است اراده صاحب‌خانه را محترم شمرده و خود را تحمیل نکند زیرا حق طبیعی و شرعی صاحب‌خانه است که تنها با قرار قبلی از میهمانان پذیرایی کند: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤَدِّنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ» (نور: ۲۸) تا با این قواعد اسلام آزادی فرد در خانه‌اش تضمین می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹). در چنین حالی افراد بهتر می‌توانند از حضور یکدیگر بهره‌برده، در کنار یکدیگر احساس امنیت و آرامش کنند.

۲-۴-۴- مراقبت از نگاه

آیات قبل خطاب خداوند با مؤمنان بود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، اما در این آیه خداوند پیامبر ﷺ را خطاب قرار داده و مراقبت از نگاه و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، رهبری و حاکمیت جامعه اسلامی است. ایشان برای اداره جامعه، حکومت تشکیل داده، امور اجتماعی مردم را مدیریت می‌دارد. امر خداوند به پیامبر و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، جهت ابلاغ این دستورات به مؤمنان، علاوه بر جلوه اجتماعی و حکومتی بودن این دستورات، پیامبر و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، را مسئول ابلاغ و پیگیری تحقق آن‌ها معرفی می‌دارد (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۶). به‌منظور جلوگیری از انحرافات جنسی در جامعه مؤمنان، خداوند دستوراتی در مورد حفظ نگاه و فروج، برای مردان و زنان مؤمن دارد که عبارت است از:

چشم، از وسایل تحصیل علم و از نعمت‌هایی است که خدا به انسان داده تا حق را از باطل تشخیص دهد، به کمک آن در راه خودسازی گام بردارد. هدف اسلام ایجاد جامعه‌ای سالم است که در آن آتش شهوات شعله‌ور نگشته، فضا برای تحریکات جنسی افراد مهیا نباشد تا یک جامعه ایمانی و نورانی ایجاد گردد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ

لَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (نور: ۳۰-۳۱). «يَعْضُضُوا» از ماده غض به معنی کم کردن صدا و نگاه چشم است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱). کثرت نگاه انسان را مبتلا به کثرت خطورات کرده، قوه خیال او را درگیر اوهمات بی‌ارزش داشته و روح او را آزرده، در نتیجه شهوات تحریک شده و انسان از رسیدن به پیشرفت و تکامل و خودسازی بازماند (مدرسی، ۱۳۴۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سَهْمِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» (کلینی، ۱۳۸۷)؛ نگاه تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است و چه بسیار نگاه‌هایی که حسرتی طولانی به دنبال دارد. همچنین دستور به حفظ فروج، نتیجه ذاتی و عارضی کنترل نگاه و ایجاد جامعه‌ای امن است که افراد در آن به حریم یکدیگر تعدی نکرده و اجازه تعدی به حریم خودشان را نیز به دیگران ندهند. قرآن بدون اینکه اشاره‌ای به عضو تناسلی داشته باشد، در نهایت حیاء و با کنایه از واژه فرج به معنای شکاف استفاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). بدین ترتیب گام بزرگی در جهت تقویت عفت جنسی در جامعه برداشته می‌شود.

۲-۴-۵-حراست از پوشش

قرآن کریم در دو مرحله بحث پوشش را در جامعه نهادینه می‌کند. مرحله اول: با ایجاد هویت و تشخیص ایمانی که تا کنون میان مردم ایجاد نشده، مفهوم و موضوع پوشش را بیان می‌دارد (سوره احزاب). مرحله دوم: با تبیین مسئله حجاب عمومی، آن را نهادینه کرده، با دستور پوشاندن عورت و نشان ندادن زینت بر آن تأکید می‌دارد (سوره نور)، (بهجت پور، ۱۴۰۱). در جامعه ایمانی اگر افراد از حریم خوش به‌خوبی پاسداری کنند، جامعه از خطر کجروی و انحراف نجات می‌یابد. مسئله پوشش، مانند نگاه بین زنان و مردان مشترک است، اما زنان به دلیل ساختار وجودیشان و نقش که در زندگی دارند، لازم است حدود بیشتر را رعایت کنند. در صدر اسلام معمول بود که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند و چون وضع مناسبی نداشتند، مورد طمع و مزاحمت جوانان هرزه قرار می‌گرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). در این شرایط دستور رعایت حجاب کامل اسلامی به زنان آزاد مسلمان داده شد تا از کنیزان شناخته شده، مورد مزاحمت هرزگان قرار نگیرند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب نزل ۹۰، آیه ۵۹). اسلام برای اجتماع مؤمنان، تشخیصی قائل است که برای پاسداشت آن دستور به پوشش به‌ویژه برای بانوان صادر می‌کند. از این‌رو برای ترغیب زنان به پوشش اسلامی لازم است به شخصیت اجتماعی و ایمانی آنان توجه شود، پوشش آنان معرف کمالات بینشی، گرایش و رفتاری آن‌ها محسوب می‌شود (بهجت پور، ۱۳۹۶).

علیرغم این دستور برای پوشش زنان، خداوند در آیه: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱)، حدود پوشش آنان را نیز معین می‌دارد. زنان قبل از نزول این آیه، پایین روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به‌طوری‌که گردن و کمی از سینه آن‌ها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). خداوند متعال در سوره احزاب (نزل ۹۰)، با پوشاندن لباس‌های سراسری مانند چادر و عبا، نماد مسلمانی زنان مؤمن و وابستگی آنان به اجتماع مؤمنان را سامان داد؛ اما در سوره نور بیان می‌دارد این پوشش را چنان استفاده کنند که زینت‌های پنهان آنان را بپوشاند (بهجت پور، ۱۳۹۸) و عفت عمومی جامعه ایمانی را مخدوش نسازند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱). مراد از زینت زنان، مواضع زینت است (طباطبایی، ۱۳۹۳). میل فطری بانوان به نشان دادن زینت (ظاهر یا پنهان)، موجب شد خداوند به‌منظور هدایت و مدیریت آن و عدم ایجاد آسفتگی در جامعه، این میل فطری را به سمت خانواده و محارم هدایت کرده، با قرار دادن یک چارچوب، آن را کنترل می‌دارد. در واقع یک محیط خانوادگی امن برای زن ایجاد می‌کند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّالِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يُضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور: ۳۱). بدیهی است محرمیت زن با همسرش در نقطه اوج است و بین آن‌ها هیچ محدودیتی برای ابراز حس خودنمایی زنان وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِالْعَفَافِ وَتَرْكِ الْفُجُورِ» (کلینی، ۵: ۵۵۴)؛ بر شما باد عفت و ترک بدی‌ها؛ بنابراین در جامعه‌ای که زنان با پوشش متعارف در جامعه ظاهر شوند، غرایز جنسی در جامعه فروکش کرده، جامعه با جدیت بیشتری به سمت اهداف خود حرکت می‌کند. در چنین جامعه‌ای لذت‌های جنسی به خانواده محدود شده، ازدواج‌های مشروع و تولد فرزندان مشروع حاصل شده، ارکان خانواده حفظ می‌شود؛ بنابراین میزان انحرافات جنسی در چنین جامعه‌ای به حداقل خواهد رسید.

۲-۴-۶- ازدواج

به‌منظور ایجاد زیست اجتماعی عقیفانه و فراهم نمودن محیط سالم اجتماعی، به دور از تحریکات انحرافی جنسی، بر جامعه اسلامی و مؤمنان فرض است وسیله ازدواج آنان را فراهم نماید تا بستری برای ارضای صحیح نیازهای جنسی افراد فراهم گردد: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲). بنابر این آیه افرادی که نکاح خود را نمی‌یابند ضروری است عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را از فضلش بی‌نیاز گرداند: «الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (نور: ۳۳). خداوند این افراد را به عفت دعوت می‌کند. بدین معنا که جلوی خواسته‌های نفسانی و شهوانی خود را گرفته، با کنترل نگاه، دامن و حجاب، خود را از دام گناه رهایی دهند (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶). عقیف بودن و خودداری از گناه آن قدر بالارزش است که امیرالمومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَالِ الْمَجَاهِدِ الشَّهِيدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ قَعْفًا: لَكَادَ الْعَقِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۴)؛ مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد، اما خویشتن‌داری می‌کند. چنین شخص خویشتن‌دار نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا باشد. همچنین ایشان می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ» (کلینی، ۱۳۸۷)؛ عفت پیشگی برترین عبادت است. در این آزمایش الهی و مرحله بحرانی نباید افراد تن به آلودگی دهند، بلکه باید تقوا پیشه کرده، با کنترل غریزه جنسی خود را از آلوده‌های مختلف بر حذر دارد؛ زیرا هیچ‌کس حق ندارد در هیچ شرایطی پا را از دایره عفاف بیرون گذارد.

۲-۴-۷- راه‌های تثبیت عفت جنسی

کنترل امیال سرکش و غریزه قدرتمند جنسی که به‌تنهایی می‌تواند انسان، بلکه جامعه را به هلاکت کشاند، تنها در سایه ایمان، باور قلبی و اعتقادات عمیق به مبدأ و معاد، ممکن است. خداوند متعال در این دسته از آیات سوره نور، با تمرکز بر تثبیت عفت جنسی، راه پذیرش سهل و ریشه‌ای احکام پاک‌دامنی را به‌گونه‌ای طرح می‌دارد که به دور از نسخه‌های سطحی، مبارزه با انحرافات و آلودگی‌های عمیق جامعه میسر شده، درمان اساسی آن‌ها را در اختیار انسان قرار می‌دهد.

۲-۴-۸- تثبیت ایمان در قلوب مؤمنان

از آنجاکه درک کنه ذات الهی قابل درک نیست، پروردگار با اشاره کوتاه به نور خویش، مقایسه میان مؤمنانی که با نور الهی هدایت شدند، با کافرانی که خود را از این نور محروم کرده و گرفتار ظلمات شدند، سرازیر شدن رحمت خاص الهی به زندگی مؤمنان را بشارت می‌دهد: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ... رَجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور: ۳۵-۳۸).

روح ایمان، زیربنای اجرای احکام پاک‌دامنی است. دامنه این نور الهی، از نقطه اوج آن در خانه انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام)، به خانه مؤمنین سرازیر شده، هرکس به فراخور ظرفیت وجودی خویش می‌تواند در مسیر این نورانیت قرار گیرد. در واقع احکام دین اسلام که در سوره نور برای هدایت مؤمنان و زیست عقیفانه‌شان بیان شده، معامله مؤمنان با خداوند را مطرح می‌دارد که به‌واسطه آن، ایشان را به بهترین عملشان پاسخ می‌دهد: «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۸). در مقابل این مؤمنان، کافرانی هستند که به

دلیل رویگردانی از اجرای احکام الهی هر لحظه بیشتر در ظلمت و تاریکی فرو می‌روند و از نور الهی هیچ بهره‌ای ندارند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ» (نور: ۳۹).

پروردگار تثبیت ایمان در قلوب مؤمنان را با سخن از تسبیح موجودات آسمان‌ها و زمین پی می‌گیرد: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ... إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نور: ۴۰-۴۵). ملک و فرمانروایی مطلق الهی، بازگشت همه چیز به سوی او، دگرگونی‌های شب و روز و... را عبرتی برای عبرت‌گیرندگان می‌داند. خداوند در این آیات ریشه‌کن کردن انحرافات جامعه را از طریق توجه دادن به قدرت مطلق خود در قلوب مؤمنان اراده کرده تا انسان‌ها را متذکر به این نماید که مانند سایر موجودات عالم باید به ذکر و تسبیح خدا پرداخته، از طریق احکام نورانی الهی خود را در مسیر مشیت الهی برای برخورداری از زندگی نورانی قرار دهند.

سپس حرمت رسول ﷺ و لزوم اطاعت او در کنار اطاعت از خداوند را مطرح می‌دارد تا جامعه ایمانی را به قله سعادت خود که همانا تمکن و حاکمیت مطلق دین خدا در زمین است برساند: «وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ... وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ... أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور: ۴۷-۴۹). اطاعت محض خداوند، نه به دلیل مصالح یا ترس از هر سلطه بشری، بلکه کانون محوری برای ساختن انسان والا در خانواده با فضیلت است (مدرسی، ۱۳۷۷). چراکه خانواده با فضیلت از انسان مطیع پروردگار آغاز شده، به او نیز پایان می‌یابد: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا» (نور: ۵۴)؛ بنابراین اگر جامعه، روحیه خداباوری، اعتقاد راسخ به وحدانیت، قدرت و سلطه همه‌جانبه او در قلوب مؤمنین تثبیت گردد، درمان ریشه‌ای انحرافات جامعه ممکن می‌شود؛ زیرا تنها مؤمنانی که اطاعت کامل از خدا و رسول و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، کرده، از خدا خشیت داشته، از معصیت او بپرهیزند به رستگاری و مطلوب خواهند رسید. در نهایت نیز به این مؤمنان وعده خلافت در زمین و تشکیل حکومت جهانی را می‌دهد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۵). گویا هدف از پاکی و طهارت جامعه مؤمنان از انواع آلودگی‌ها، کنترل زبان، نگاه، حجاب، حفظ حریم‌ها و به‌طورکلی بهره‌مندی از نور الهی، در سایه داشتن یک خانواده سالم است. حتی خداوند با تأکید بر تحقق این وعده الهی، پیامبر و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، و مؤمنان را این‌گونه تقویت می‌کند: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ» (نور: ۵۷). مؤمنان را بشارت می‌دهد که کافران بر ایشان برتری نداشته، بلکه این مؤمنان هستند که با مجهز بودن به نیروی الهی می‌تواند بر کافران مسلط و پیروز شوند (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین ذکر و یاد خدا در سایه اعتقاد و باور قلبی، زمینه ایجاد و تثبیت طهارت ظاهری و باطنی در جامعه است تا به‌واسطه نورانیتی که حاصل می‌شود به خلافت در زمین و حکومت جهانی رسیده، از شر دشمنان ایمنی یابد.

۲-۳- رعایت حریم خصوصی والدین

دین مبین اسلام همواره بر پیشگیری بیشتر از درمان اهمیت قائل است. از این‌رو آداب رعایت و حفظ حریم خصوصی افراد و به‌ویژه حفظ حریم والدین در داخل خانه را این‌گونه مدنظر قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ» (نور: ۵۸). تحقق عفت و پاک‌دامنی، با حفظ حریم افراد انجام‌پذیر است. بر والدین فرض است از کودکی به فرزندان خویش مراعات این آداب را آموزش داده، بسترسازی مناسبی در جامعه برای آن فراهم دارد. گرچه در آیه ۲۷ این سوره سخن را رعایت حریم خصوصی افراد شده بود (طباطبایی، ۱۳۹۳)، اما این آیه برای دخول به حریم خصوصی والدین از آن حکم عمومی، افرادی چون کنیزان، بردگان، کودکان نابالغ را مستثنی کرده (طبرسی، ۱۳۷۲) و تنها نیازمند به کسب اجازه تنها در سه وقت دانسته

است و سایر اوقات را زمان‌های انس گرفتن اهل خانواده با یکدیگر می‌داند. این سه وقت عبارت‌اند از: «ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ» (نور: ۵۸). والدین موظفند حتی‌المقدور از ایجاد زمینه‌های التهاب و تحریک جنسی فرزندان جلوگیری نمایند. در واقع درک روابط جنسی، ثبت و ضبط تصاویر و صحنه‌های آن در ذهن، نه تنها مختص به دوره بلوغ نیست؛ بلکه مدت‌ها پیش‌ازین دوره به صورت احساسات متفاوتی در نهاد کودک وجود دارد که ممکن است از نگاه پدر و مادر مخفی مانده باشد. گرچه ممکن است در این سن کودک تمایل جنسی نداشته باشد، اما بیدار شدن میل جنسی کاذب در او ممکن خواهد بود (جوکار، ۱۳۹۲)؛ اما بنابر دیدگاه قرآن کریم حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است، زیرا کودکان نابالغ گرچه احساسات جنسشان هنوز به‌طور کامل برانگیخته نشده، اما به دلیل آمیخته بودن زندگی‌شان با زندگی والدین، تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). حال آنکه نوجوانان بالغ مطابق این آیه: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۹)، مطلقاً موظف به اذن گرفتن جهت ورود به حریم خصوصی والدین هستند. اسلام درحالی‌که به محدود ساختن روابط زناشویی به خانه تأکید دارد، هم‌زمان محیط خانواده و روابط همسران را در میان اعضای خانواده مدیریت می‌کند. رعایت این دستورات عفت جنسی، نوعی تربیت ظریف و دقیق در فضای خانه است (بهجت پور، ۱۳۹۸). خانه باید محیطی امن برای تربیت فرزندان باشد و پدر و مادر نباید با بی‌دقتی‌های خود در رفتارهای جنسی، زمینه بلوغ زودهنگام یا بروز آسیب‌های اخلاقی بعد از بلوغ را در فرزندان خود ایجاد کند (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۶). توجه به فلسفه این حکم الهی در افزایش انگیزه خانواده‌ها برای اجرای چنین فرمانی اثر دارد.

۲-۴- تبصره احکام زنان سالخورده

خداوند متعال به‌منظور صیانت از روابط اجتماعی افراد در جامعه ایمانی و حفظ حریم عفت جنسی در اجتماع، بخشی از معارف سوره نور را به تخفیف در احکام پوشش مرتبط با بانوان سالخورده اختصاص داده است. زنان سالخورده به دلیل کهولت سن و سستی اندام‌هایشان شاید نتوانند این حدود را مراعات کرده، دچار عسر و حرج شوند: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» (نور: ۶۰)؛ بنابراین استثناء شدن بخشی از پوشش زنان مسن، حاکی از آن است که برخی پوشش‌ها نماد مسلمانی، برخی دیگر با پوشاندن زینت‌ها و اندام تناسلی، برای رعایت حریم پاک‌دامنی در اجتماع است که باید بین آن دو تفکیک قائل شد (مدرسی، ۱۳۷۷). لازم به ذکر است «يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ» مطلق کنار گذاشتن همه انواع لباس از سوی آن‌ها نیست. بلکه مراد پوششی است که مانع ترغیب به ارتباط جنسی باشد. زنانی که درباره آن‌ها رغبت نمی‌شود (سالخوردگان)، لازم نیست تا آن‌گونه پوشش‌ها را رعایت کنند، البته مشروط به اینکه خودنمایی و سوءاستفاده‌ای در میان نباشد. پوشش اسلامی افزون بر مصلحتی که در ناحیه کنترل فساد اخلاقی دارد، مصلحتی در خود زنان مؤمن نیز دارد (مدرسی، ۱۴۳۱). این‌گونه پوشش‌ها، نمایشی از با حیا بودن صاحبش است: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» با از بین رفتن بخشی از مصلحت پوشش اسلامی که به دلیل منتفی بودن امکان ازدواج حاصل شد، بخش دیگر از مصلحت، باقی است (بهجت پور، ۱۳۹۶). البته توصیه به رعایت حد ممکن از پوشش کامل از جانب زنان مسن نیز، روشن می‌دارد پوشش زن مؤمن نماد شخصیت ایمانی اوست.

۲-۵- تثبیت فرهنگ عفاف با تبعیت از پیامبر ﷺ و جانشینان او

فرهنگ قرآنی جامعه مؤمنان را به منزله یک خانواده بزرگ می‌داند که باید همواره اتحاد و انسجام آن محفوظ مانده، افراد مصالح جمعی را بر مصالح فردی خویش ترجیح داده، در همه امور از رهبر جامعه تبعیت داشته باشند. برخی از افراد جامعه ایمانی به زبان ایمان آورده اما در هنگام اطاعت از حکم رسول ﷺ که همانا حکم خداست سرپیچی می‌کنند. قرآن چنین کسانی را مؤمن نمی‌داند؛ زیرا با چنین افرادی، اهداف جامعه ایمانی محقق نمی‌شود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ

لَمْ يَدْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا» (نور: ۶۲). خداوند متعال با حصر تأکید، مؤمنان را تنها کسانی می‌داند که ایمان به خدا و رسول ﷺ داشته و هرگز منفعت شخصی خود را بر اوامر پیامبر ﷺ ترجیح نمی‌دهند (طباطبایی، ۱۳۹۳). امر جامع امری اجتماعی است؛ گرچه تحقق آن بدون اذن رسول ﷺ ممکن نیست، اما عزمی عمومی و حضور همه مؤمنان را نیز می‌طلبد. این امر جامع می‌تواند مصداق‌های مختلفی داشته باشد که مصداق موردنظر در این سوره همان موضوع اصلی آن یعنی فرایند تثبیت فرهنگ عفاف است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶).

به‌طور کلی احکام ابتدای سوره، یعنی مسئله اجرای حد زنا، حد رمی به زنا، پدیده افک، مقابله با افک آوران، بسیج ثروتمندان برای فقرزدایی به‌جای اتهام زنی و قبول اتهامات، مقوله حریم خصوصی افراد و محترم شمردن آن، حفظ نگاه، دستور به ابلاغ حجاب، تسهیل امر ازدواج و... مجموعه‌ای از احکام حکومتی و اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۹۳). بی‌شک پیشبرد فرامین حکومتی و اجتماعی، تابعی از اطاعت‌پذیری مؤمنانه و مطلق از رسول‌الله ﷺ است که بدون آن، اجرای این احکام و اهداف عالی‌اش سامان نخواهد پذیرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). افزون بر موارد فوق در آیه بعد جنبه دیگر از حفظ حریم پیامبر ﷺ را مطرح می‌دارد: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور: ۶۳). خداوند متعال با دعوت مؤمنان به ادب ایمانی در مورد رسول ﷺ در امر رسالتش، فرامین ایشان را به‌عنوان التزام و واجبات شرعی در نظر می‌گیرد. با توجه به تفاوت ماهوی پیروان با رهبری، با رابطه پیروان با یکدیگر، تبیین می‌دارد رابطه پیروان با رهبری به سازمان‌دهی جامعه مربوط می‌شود، حال آنکه رابطه پیروان با هم روابط اجتماعی خاصی است که هر فرد در آن آزادی دارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۱۶، ۳۶۸-۳۶۹)؛ بنابراین اگر مؤمنان در مسئله عفت و پاک‌دامنی، اجرای حدود و برقراری حجاب و پوشش و... از فرامین رسول‌الله ﷺ اطاعت محض نکنند، قطعاً جامعه خود را گرفتار عوارض سوء بی‌عفتی می‌کنند. اطاعت از اوامر رسول‌الله ﷺ موجب می‌شود جامعه مؤمنان از آلودگی‌های جنسی رها شده، در مسیر امنیت و نورانیت گام برداشته، نهایتاً به فضل خداوند متعال برای تشکیل حکومت دینی در عرصه جهانی آماده شود.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر یک مقاله‌ی گزارشی کوتاه است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تفسیری و روایی، به واکاوی راهکارهای سوره نور در زمینه‌ی نهادینه‌سازی عفت جنسی در جامعه‌ی ایمانی پرداخته است. در این مطالعه تلاش شده است با تکیه بر آیات این سوره، مهم‌ترین آموزه‌ها و سازوکارهایی که قرآن کریم برای ارتقای فرهنگ عفاف و مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی ارائه کرده، استخراج و تحلیل شوند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش تربیتی، فرهنگی و اجتماعی سوره نور در حل مسئله‌ی تضعیف عفت عمومی و ارائه‌ی راهکارهایی قرآنی برای تحکیم بنیان‌های اخلاقی در جامعه‌ی ایمانی است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

آیات قرآن کریم سرشار از مقاصد والای تربیتی، نافذترین روش‌های هدایتی برای جامعه انسانی و تصویرگر روش‌های کارآمد برای تربیت نسل بشر است. پرداختن به موضوع راه‌های تقویت احکام عفت جنسی در قلوب مؤمنان در آموزه‌های سوره نور، از یک‌سو می‌تواند احکامی که مرتبط با مسئله عفت جنسی است را به‌خوبی برای مؤمنان تبیین و در قلوب ایشان و در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی تقویت نماید، از سوی دیگر موجب تثبیت و ارتقاء سطح طاعت و بندگی بشر گشته و زمینه‌های افزایش تقرب به خداوند را در مؤمنان فراهم نموده، زمینه حاکمیت جهانی مؤمنان را فراهم کرده و سعادت فردی و اجتماعی آنان را به همراه خواهد داشت.

خداوند متعال در سوره نور به‌منظور دوری از انحرافات جنسی، با طرح راه‌های پیشگیرانه‌ای نظیر مجازات شدید زن و مرد زناکار و شرط سنگین اثبات قضایی آن به‌منظور عدم ساده‌انگاری شایعه‌سازی و متهم ساختن دیگران در مجازات اسلامی، انفاق و گذشت

به‌عنوان مقدمه تربیت روح عفاف، خودداری از پرده‌داری دیگران، توجه به پرده‌پوشی خدا از گناهان افراد، پرده‌پوشی الهی در برائت مؤمنان از امور ناپاک، نهی از چشم‌چرانی مردان از زنان و زنان از مردان، تأکید بر حجاب زنان مسلمان به‌عنوان عامل مهم در انحرافات جنسی و چشم‌چرانی و بی‌حجابی، دستور به ازدواج سهل و آسان به‌منظور عدم آلودگی به اعمال منافی عفت، تأکید بر عفت‌ورزی جوانان و یاری مردم بر این امر تا هنگام ازدواج جوانان، تقویت عفت جنسی را در قلوب مؤمنان همواره کرده‌است.

همچنین خداوند متعال در آموزه‌های سوره نور علاوه بر آنکه پایبندی به احکام عفاف الهی را مستلزم گذشت از خواهش‌های نفسانی دانسته و این گذشت را با تقویت خوف از خدا حاصل می‌داند، با هدف موعظه و نرم ساختن قلوب مؤمنان و نفوذ نور احکام در دلشان، به تشبیه زندگی مؤمنان به نور و زندگی کافران به تاریکی اشاره کرده، با پرداختن به آداب معاشرتی چون: تربیت فرزندان و ادب آنان در برابر پدران و مادران، تأکید بر عدم ورود و لزوم اذن فرزندان در اوقات خاص خلوت زن و شوهر، تخفیف حجاب به زنان مسن و بازنشسته از ازدواج، تأکید بر تبعیت محض از خداوند و رسول‌الله ﷺ در امور اجتماعی، به تثبیت احکام عفت جنسی در دو ساحت خانوادگی و اجتماعی پرداخته است.

ایجاد محیط‌های خانوادگی سالم و حمایت از جوانان در برابر چالش‌های اجتماعی، ازجمله عوامل حفظ عفت جنسی در جامعه ایمانی است. در این جامعه حفظ حقوق دیگران در اجتماع نهادینه شده، با همکاری آحاد جامعه، محیطی پاک و به دور از هیجانات جنسی فراهم می‌شود. از سویی دیگر غایت جامعه ایمانی حرکت به سمت تشکیل حکومت جهانی واحد است. لذا باید این جامعه با تقویت باورهای دینی، ایجاد اتحاد و همبستگی، آلودگی از آن جامعه زدوده، با عفت جنسی جامعه را برای رسیدن به سعادت غایی مهیا نماید.

۵- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- آل‌بویه، علیرضا؛ و حسن‌زاده، سهیلا (۱۴۰۳). جایگاه اخلاقی عفت در سوره نور با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی. *اخلاق و حیانی*، ۳۰، ۵-۴۰. doi:10.22034/ethics.2024.198289
- ۴- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۶). سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی. قم: تمهید.
- ۵- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۸). روش فرهنگ‌سازی پاک‌دامنی در قرآن. قم: نشر هاجر.
- ۶- بهجت‌پور، عبدالکریم؛ و نظریان، رضا (۱۴۰۱). فرایند تحول در خانواده. تهران: آفتاب توسعه.
- ۷- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی. نشریه معرفت، ۱۸۶، ۳۵-۵۳.
- ۸- حجازی، سیده شیرین (۱۳۹۷). نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۸۰، ۵۱-۶۹. doi:10.22095/JWSS.2018.85289
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). المفردات فی الفاظ القرآن. بی‌جا: دارالشامیه.
- ۱۰- سید قطب (۱۴۲۵ ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشوق.
- ۱۱- شاهنده، آمنه (۱۳۸۷). فضائل و رذائل اخلاقی. فصلنامه بنات، ۵۷، ۳۱-۵۱.
- ۱۲- الشقیطی، محمد المختار (بی‌تا). تفسیر القرآن بالقرآن من أضواء البیان. بیروت: دارالفکر.
- ۱۳- صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۶). فرایند تثبیت فرهنگ عفاف در جامعه. قم: صبوحی.
- ۱۴- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.

- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۷- فضل‌الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
- ۱۸- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت ایران.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی. قم: دارالحدیث.
- ۲۱- مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۲- مدرسی، محمدتقی (۱۳۸۰). آزادی و مسئولیت زن. قم: مجانب الحسین.
- ۲۳- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبب الحسین.
- ۲۴- مدرسی، محمدتقی (۱۴۳۱ ق). بینات من فقه القرآن. بیروت: مرکز العصر.
- ۲۵- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۷- میرخانی، عزت‌السادات؛ و صفایی، سعیده (۱۳۹۳). عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده. زن و مطالعات خانواده، ۲۴، ۱۲۵-۱۴۷.
- ۲۸- نراقی، احمد بن محمد مهدی (بی تا). معراج السعاده. تهران: هجرت.

Strategies of Surah An-Nur in Institutionalizing Sexual Chastity in a Faith-Based Society

Khadijeh Ahmadi Beighash*¹, Maryam Haji Kazem²

1-Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

2-MA Student in Quranic Interpretation and Sciences, Lady Fatima Specialized Center for Quranic Sciences and Interpretation, Tehran, Iran.

maryamkazem1974@gmail.com

Abstract

Chastity, as an internal force that restrains the self from indecent behaviors, has always been emphasized in Islam. The Almighty God, through a gradual presentation of comprehensive policies, has promoted, stabilized, and institutionalized chaste living within the Islamic society. While the concept of chastity in its various dimensions is discussed in Meccan surahs, the reinforcement and implementation of sexual chastity laws have been deferred to the Medinan period—under circumstances where an Islamic government is established. This study seeks to answer the question: *What strategies does the Medinan Surah An-Nur employ to institutionalize sexual chastity within a faith-based community?* Through a descriptive-analytical approach and based on library resources, the study reveals that in the context of an established Islamic society, God begins with preventive rulings against sexual deviance—such as harsh punishment for adulterers and strict evidentiary standards, prohibition of illicit glances, encouragement of marriage, and emphasis on youth chastity. Furthermore, the issue of hijab is introduced as part of cultivating a spirit of modesty. To consolidate sexual chastity within both the familial and social spheres, the surah proposes adherence to divine chastity rulings, respect for private boundaries in the family (especially regarding parents), overcoming carnal desires, cultivating fear and awe of God, allowing divine rulings to illuminate the hearts of believers, and complete obedience to God and His Messenger. These strategies aim to embed chastity within the hearts of the faithful—something only achievable through safeguarding the boundaries between mahram and non-mahram, the family unit, parents, and the Prophet Muhammad.

Keywords: Surah An-Nur, promotion of sexual chastity, stabilization of chastity, sexual deviance, faith-based society.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)